

۱۹۱۴۴۳۱

۹۷، ۷، ۱۰



سازمانه تدبیر حسینی

جلوه‌های مدیریت و اخلاق در سیر و سلوک شهدای کربلا

نویسنده:

دکتر علی اصغر پورعزت

استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران



کتاب‌مهریان

فیفا

سرشناسه: پورعزت، علی اصغر، ۱۳۴۵ - Pourezzat, Aliasghar

عنوان و نام پدیدآور: سامانه تدبیر حسینی: جلوه‌های مدیریت و اخلاق در سیر و

حیات شهیدان کربلا/ نویسنده علی اصغر پورعزت.

مشخصات نشر: تهران: موسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۹۷

مشخصات فیزیکی: ۱۶۶ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۰-۲۰۵-۲

وضعیت فهرست نویسی: نشر

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۱۶۱ق--فضایل

موضوع: Hosayn ibn Ali, Imam II, 625-680--Virtues

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۱۶۱ق--خلق و خو

موضوع: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625-680--Character

موضوع: مدیریت (اسلام) - Religious aspects--Islam Management

موضوع: عاشورا Tenth of Muharram

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ س ۸۶۳۴ پ/۴۱/۴ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۳۲۴۴۱

«این کتاب با تأیید و همکاری معنوی انجمن علمی مدیریت دولتی ایران منتشر می‌شود.»



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

شناسنامه

نویسنده: سامانه تدبیر حسینی: جلوه‌های مدیریت و اخلاق در سیر و سلوک شهدای کربلا

نویسنده: دکتر علی اصغر پورعزت

ناشر: مؤسسه کتاب مهربان نشر

صفحه‌آرایی: حسین مدی

طراح جلد: فرزاد جویباری

ویراستار: پاکنوس کیانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۷-۲۰۵-۲

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

دفتر انتشارات: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان لبافی‌نژاد، پلاک ۱۸۹

تلفن: ۰۶۹۵۳۴۷۵-۶

کدپستی: ۱۳۱۴۹۶۵۳۵۱

ایمیل و وب سایت: Info@mehraban.shop.com-MehrabanPub.com

فروشگاه اینترنتی: Ketabemehraban.com

تلفن فروشگاه نشر بازگانی: ۰۶۹۵۳۴۷۵

کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است؛ مطابق با قانون حقوق مؤلفان و مصنفین مصوب ۱۳۴۸ محفوظ و متعلق به مؤسسه کتاب مهربان نشر می‌باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه‌ی کتبی از مؤسسه کتاب مهربان نشر ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

کتاب مهربان

فهرست مطالب

فصل اول: اسوگی اخلاقی در سنت حسینی: رصد خصال پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» در نهضت عاشورا	۱۷
فصل دوم: خرد و عقلانیت در سنت حسینی: رصد خصال امام علی مرتضی «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۲۹
فصل سوم: رحمت و حمایت در سنت حسینی: رصد خصال حضرت زهرا «علیها السلام» در نهضت عاشورا	۴۳
فصل چهارم: کرامت در سنت حسینی: رصد خصال امام حسن مجتبی «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۵۷
فصل پنجم: شجاعت در سنت حسینی: پدیدارشدگی خصال امام حسین «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۶۷
فصل ششم: تاب آوری و صبر در سنت حسینی: تابارشناسی خصال امام علی «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۷۵
فصل هفتم: دانش افزایی در سنت حسینی: تبارشناسی خصال امام محمد «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۸۲
فصل هشتم: اصالت صدق و دانش گستری در سنت حسینی: تبارشناسی خصال امام جعفر صادق «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۹۱
فصل نهم: تواضع و مهار خشم در سنت حسینی: تبارشناسی خصال حضرت امام موسی کاظم «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۱۰۳

فصل دهم. رضا و انعطاف در سنت حسینی: تبارشناسی خصال حضرت امام علی رضا «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۱۱۳
فصل یازدهم. بخشنده‌گی و سخاوت در سنت حسینی: تبارشناسی خصال حضرت امام محمد جواد «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۱۲۳
فصل دوازدهم. رهنمایی و هدایت‌گری در سنت حسینی: تبارشناسی خصال حضرت امام علی هادی «علیه السلام» در نهضت عاشورا	۱۳۱
فصل سیزدهم. تدبیر و دوراندیشی در سنت حسینی: تبارشناسی خصال حضرت امام حسن مدیر (اباالمهدی) «علیه السلام» در نهضت عاشورا ..	۱۴۱
فصل چهارم. آینده‌پردازی و تمدن‌سازی در سنت حسینی: تبارشناسی خصال حضرت امام محمد، مهدی قائم «علیه السلام» در نهضت عاشورا.	۱۴۹
سخن آخر	۱۵۹
منابع و مآخذ	۱۶۵

مقدمه

عاشورا قطعه‌ای متمایز از تاریخ حیات بشر، بلکه قطعه‌ای متمایز در تمدن‌سازی بود؛ در این امتداد، اثر عاشورا بر تمدن‌سازی را به خوبی می‌توان در ایران، لبنان، یمن و پاکستان پس از عاشورا رصد کرد.

و آنچه است که اگر عاشورا نبود، این تمدن‌ها، حال و هوای دیگری داشتند. گویا عاشورا نقطه عطفی در میانه سویه‌های تاریخی است؛ تاریخی که از عاشورا به گذشته می‌رود، به طور عمده گزارشگر شکست‌های پیاپی حق در برابر باطل است. گویا کسی توان در برابر دروغ، فساد، فریب و ریا، ایستادگی کرد.

هرگاه اثری از آن زهر پیرمیران یا مصلحان مشاهده می‌گردد، گویا به سرعت به فراموشی سپرده می‌شود؛ هر چند جلوه‌های شیرین حکومت پیامبرانی چون داود و سلیمان «علیهما السلام» و منتهی به نظیر حکمرانی نبوی «صلی الله علیه و آله» و میراث‌داری سنت حکمرانان در رویه امیرالمؤمنین و امام حسن مجتبی «علیهما السلام» مثال زدنی بود ولی با سلطه امویان بر حکومت در جامعه اسلامی، گویا همگان پذیرفتند که حق به یکسره تسلیم باطل شد!

در همین حال، ناگهان درخشش سهمگین واقعه دردناک عاشورا، گویا برقی سریع و پرنفوذ بود که همه ظلمت تاریخ را به یک سوی نهاد.

برق حاصل از این واقعه دردناک، هشدار به تاریخ بود که بهای خنگی طولانی، سنگین است و بیهوشی رو به مرگ را به ارمغان می‌آورد. گویا در این بیهوشی تدریجی، درد شدید و نافذ و بنیان‌برافکن عاشورا بود؛ گویا باید زخمی را با زخمی دیگر بهبود داد و جراحی عمیق را با جراحی عمیق‌تر. شاید این بیمار رو به موت، احیاء گردد.

و اینچنین بود که تمدن رو به انحطاط بشری، فرصت احیاء یافت؛ فرصتی

ناشی از حادثه‌ای جانکاه و فروکوبنده و بس عظیم.

حادثه‌ای که ای کاش واقع نمی‌شد، ولی شد!

و اکنون بشریت مانده است و غیرت تاریخی او.

نکته این است که در گذرگاه تاریخ تمدن بشری، این گونه وقایع زیاد حادث شده‌اند؛ وقایع قتل عام مردان، زنان و کودکان و نسل‌کشی‌های بی‌رحمانه اقوام وحشی یا حتی مدعی تمدن انسانی.

برگشت به ایران، یونان، مصر، چین و روم باستان و تمدنهای پیش از آنها، سرگذشت جنایات و مکافات‌های پی‌درپی مردمی است که سیطره بر تاریخ و جغرافیا را بر آن مدنظر داشتند.

پس، از چه من و اقسام توجیه، باورها و احساسات ما، فقط حول یک حادثه، اینچنین تمرکز یافته است؟ مگر حوادث شهادت پیامبران و انسان‌ها، از حیث شدت فاجعه‌آمیزی، بارها مورد اشاره صریح قرآنی قرار نگرفته‌اند؟

تاحدی که می‌توان گفت، «گویا بشر استعدادهای خاصی در پیامبرگشی داشته است» (ر.ک. قرآن حکیم، بقره، ۶۱). پیامبرگشی‌هایی که مطمئناً با جنایت‌های تسلسلی و پی‌پی همراه بوده‌اند؛ جنایت‌هایی که احیاناً به انسانی را در اعماق مراتب توحش حیوانی گزارش می‌کنند.

پس چرا ما اینچنین فقط در وصف ابعاد یک جنایت فروه می‌افتیم؛ جنایتی عربی بر ضد خاندان پیامبر اسلام «صلی‌الله‌علیه و آله» که گویا مسأله‌ای درون قومی و تسویه‌حسابی تاریخی و حتی خانوادگی، بین فرزندان امیه و هاشم بوده است! در واقع، گویا بنی‌امیه در جنگ‌های پیشین، لطمه‌های سنگینی خورده بودند و اینک درصدد برآمده‌اند تا عقده‌های حقارت خود را جبران کنند. پس

این حادثه، به سایر تمدن‌ها و به‌ویژه به ایران چه ربطی دارد؟ به‌ویژه با این ملاحظه که ایرانیان از عربیت، زخم عمیق خورده‌اند و حتی زخم آنها از عرب به ظاهر مسلمان، عمیق‌تر و دردناک‌تر از زخمی است که اعراب نامسلمان، در دوره‌های پیشین به مرزهای ایران، در راهزنی‌ها و سرقت‌های محلی، وارد می‌کردند. واقعیت این است که اعراب به ظاهر مسلمان، با فتح ایران، تمدن کن ما را فروکوبیده، به آتش کشیدند و حقارت کهن خویش را با بی‌رحمی، به همه سازه‌های تمدنی ما تحمیل کردند.

آنها به ایران حمله کردند و بسیاری از ایرانیان را به اسارت و بردگی گرفتند. سپس خودشان در جنگ‌های داخلی شدند و سرانجام خاندان پیامبر خود را خانه‌نشین ساختند و سپس، همین خانه‌نشینان را تهدید کرده، وادار به پذیرش اعتبار خویش ساختند! خاندان پیامبر «صلی الله علیه و آله» نپذیرفتند و در معرکه پذیرش ننگ و جنگ، جنگ را درگرفتند و همگی کشته شدند.

خوب این حادثه چه ربطی به ایرانیان دارد؟ چرا باید این حادثه در میان ما تا این حد جان‌کاه جلوه کند.

گویا این روایت ظاهری بی‌پایانه، تحریف واقعیت است زیرا این جنگ به پیش از برادری هاشم و امیه، برمی‌گردد و گویا تا گذشته برادری هابیل و قابیل و خروج قابیل به ظلم و ستمگری تاریخی امتداد می‌یابد. شاید از همین روست که زیارت وارث، از درد آدم شروع می‌شود و همین را به یاد می‌آورد و آنچه بر نوح و ابراهیم و موسی و عیسی «علیهم‌السلام» گذشته را روایت می‌کند تا به محمد «صلی الله علیه و آله» می‌رسد و انواع ظلم و شکنجه عربی بر خاندان نبوی و آنچه بر سر زهرا و مرتضی و مجتبی «علیهم‌السلام» آوردند را مرور می‌کند تا سرانجام، روایت‌گری انسانیت و شرافت

آدمی در عاشورا، مدنظر قرار می‌گیرد.

در واقع گویا این جنگ، جنگی فراتاریخی، بین انسان با ضد انسان، اخلاق با ضد اخلاق و عدالت با ستم است. بنابراین، این جنگ نه به منازعه داخلی اعراب، بلکه به نبرد تاریخی انسان و شیطان مربوط است.

با کنار گذاردن تعصب ناشی از ملیت، قابل فهم است که چرا این نهضت، ایرانی و رومی و هندی و عرب نمی‌شناسد و همه را اگر بفهمند، درگیر خود می‌کند.

حالا ما چنین است که تاریخ در برابرمان جراحی شده و دردی بر دردها افزوده شده! با گویا ابعاد فاجعه بسیار سهمگین‌تر است؛ زیرا این جراحی، در شرایط هوشیاری و خودآگاهی انجام شده و اینک درد جانکاه آن، دوست و دشمن را می‌آزارد.

دشمن، شرمنده از جنایت نه‌شنیده و حماقت‌بار خویش و دوست، شرمنده از دوری راه و فاصله زمان و عدم حضور در صحنه! با ادعای تاریخی «ای کاش من نیز با شما بودم»!

حال اگر ندای تاریخی «ای کاش من هم با شما بودم» در گستره زمان واقعه عاشورا تا آینده موعود تفسیر شود، چه می‌ماند جز «عبرت از تدبیر و اخذ درس از حادثه».

این کتاب با هدف اخذ درس از حال و هوای فکری و تحلیلی حاکم بر معادله‌های تصمیم حادثه‌سازان و راویان حادثه عاشورا نگارش یافته است؛ با نگاهی فرازمانی به پیشینه عاشورا، از سنت مصطفوی و فاطمی و مرتضوی گرفته تا سنت مجتبی و با تأملی بر واقعه نبرد حسینی و تبارشناسی آن، در میراث‌داری امامان شیعه، از حضرت امام سجاد «علیه السلام» تا حضرت امام

حسن اباالمهدی «علیهم السلام» و سپس در رهگذر باور شیعه به منجی منتظر و مهدی هدایتگر در ورای عصرها و نسلها و نژادها و قومها؛ گویا داستان این خانواده، داستان بشریت و بلکه داستان اخلاق در برابر بی اخلاقی است. جالب آنکه پیامبر این قوم، مردی بسیار پاک سیرت بود که اتفاقاً از بدترین و متعفن ترین تمدنهای زمان خود ظهور کرد تا جامعه بدوی عرب را از تعفن جاهلیت رها سازد و با جذب دانشمندان اقوام و فرهنگهای دیگر، الگویی چند فرهنگی را به جوامع دیگر عرضه نماید.

الگوی مدیریت سرافتمندانه، در پرتو حریم اخلاق؛ الگویی که سرشت آن در میان اقوام گوناگون و عصرها و نسلهای پیاپی، پراعتبار و محترم باقی بماند. گویا واقعه عاشورا، سحله منده همه کرامت‌های انسانی انباشته شده در گذر تاریخ بود تا از همه سختی‌ها، دشواری‌ها و عبرت‌های گذشته، به همه ساکنان عصرها و نسل‌های آینده، هشدار دهد که در بدترین شرایط مفروض تاریخی هم می‌توان پاک ماند و تسلیم ناحق نشد.

بدترین شرایط؛ یعنی شرایطی که مناسب نیست، هنگام هجرت با زن و فرزند، بدون تدارک نظامی و صرفاً با امکانات عادی، بدون اجیرکردن سرباز و بدون فریفتن جوانان احساساتی و صرفاً با استعانت از حاج‌های عقلانی خردمبنا، در برابر قوم جهل زده‌ای که گویا عقلانیت و اخلاق به تنهایی فروباخته است.

این کتاب درصدد روایت‌گری درسهای مدیریتی عاشورا است تا بهره‌جویان مشتاق به ادراک و فهم سنت حسینی را به حفظ کرامت‌های اخلاقی و رعایت و حریم‌داری گذرگاه‌های عرفانی عروج به سبک چهارده معصوم، فزونی بخشد. به توصیه روحانی بزرگوار، آقای دکتر جمشید معصومی، فصول چهارده‌گانه

کتاب با تأکید بر میراث‌داری عاشورا از سنت‌های نبوی و علوی و فاطمی و مجتبیوی، حادثه‌سازی آن در عهد حسینی و تبارشناسی آن در رویه‌های امامان شیعه تا حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» صورت‌بندی شد.

در امتداد نگارش این کتاب، قرار شد تا کتاب مفصل‌تری با همکاری آقای دکتر آرین عظیمی و خانم دکتر فاطمه نجار شمس تدوین شود؛ ضمن اینکه این دو بزرگوار نگارنده کتاب حاضر را با راهنمایی‌های خود، یاری بسیار داده‌اند.

همچنین از جناب آقای پاکنوش کیانی ویراستار محترم کتاب و سرکار خانم دکتر آفرین دهقان‌پور فراشاه و جناب آقای علیرضا دهقان‌پور فراشاه و سرکار خانم مریم بهرام‌هری که پس از تدوین کتاب، نسخه تایپ شده را با نسخه اصل مطابقت داده، راهنمایی‌ها، ارزنده‌ای برای تکمیل آن ارائه داده‌اند، سپاسگزاری می‌نمایم. تدوین این کتاب، ناصلاً استفاده از محضر استادان پاک‌سیرتی چون آقایان کافی‌زاده، استاد پرهیزگار و علمای بزرگوار چو آیت‌الله میرزا عبدالکریم حق‌شناس و آیت‌الله سید محمد رضا علوی تهرانی است که یادشان را گرامی می‌داریم. همچنین نویسنده از محضر دانشمندان ارجمند جناب آقای سید حسین طباطبایی قمی و جناب آقای سید محمد ابراهیم علوی تهرانی، بهره فراوان برده است که بدین‌وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌نماید. امید آنکه این کتاب، مقدمه‌ای باشد بر پژوهش‌های دقیق‌تر در احوال دلائل نبوت عاشورا. جادارد که در اینجا از زحمات پژوهشگر ارجمند، سید علی محمد علوی که در این مسیر، تلاش ارزنده‌ای داشته‌اند، یاد شود و از شیفتگان نهضت حسینی درخواست شود تا بخش مهمی از هم خود را برای بازپردازی حقیقت عاشورا و نورایی شرافتمندانه‌تر حوادث آن، مصروف دارند تا عرصه بر میدان‌داری راویان کذاب و عوام‌زده‌ای که جریان‌ها را بر اساس وهم خود پردازش می‌کنند

و حماسه‌سازان عاشورا را صرفاً در مقام قهرمانان تراژدی کسب و کار خویش، روایت می‌نمایند و از اثرگذاری بر زندگی واقعی مردم دور می‌نمایند، تنگ گردد. نکته مهم در پایان مقدمه، تذکر این مهم است که شیعه حقیقی و پیرو واقعی و محب صادق اهل بیت، باید سعی کند تا بیش از هر چیز دیگر و بیش از هر شخص دیگر، به امامان خود شبیه باشد.

چهارده معصوم، الگو و اسوه بشریت‌اند؛ چهارده نور پاک و زلال که هر یک الگوی ویژه عصر و نسل خود بودند؛ الگوهای اسوه اخلاق و امانت، خرد و عدالت، رحمت و عفت، کرامت و نجابت، شجاعت و رشادت، صبر و تاب‌آوری، شرافت و علم‌گستری، صدق و راستی، تواضع و مهار خشم، رضا و انعطاف، سخاوت و بخشندگی، رهنمایی و هدایتگری، تدبیر و دوراندیشی، آینده‌پردازی و تمان‌سازی.

چهارده نفری که اگر هر یک در جای، درگاه، قرار می‌گرفت، سنت خردمندانه او را برپای می‌داشت؛ رهبرانی شریف که هر یک در منزلت و زمان و مکان خود، بهترین نقش‌های ممکن را بر صحیفه هستی قلم می‌زدند و تصویری زیبا از امکان حیات طیبه در جهان آلوده به زر و زور و تزویر نمایان ساختند و حجت را بر ما و سایر آدمیان تمام کردند!

و اکنون ماییم و حجت‌های باطل و رویه‌های ناقص خودمان، در برابر بن‌الگوهای کامل اعطایی پروردگار حکیم و رحیم.

علی اصغر پورعزت

استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

تابستان ۱۳۹۷